

زولتان کوچش

استعاره

مقدمه‌ای کاربردی

(ویراست دوم)

ترجمه

بهان‌شاه میرزا بیگی



This is a Persian translation of
Metaphor

A Practical Introduction

(Second Edition)

By Zoltán Kövecses

Oxford University Press, New York, 2010

Translated by Jahānshāh Mirzābeigi

Āgāh Publishing House, Tehran, 2017

سرشناسه: کوچش، زولتان، ۱۹۴۶ م. — Kövecses, Zoltán
عنوان و نام پدیدآور: استعاره / زولتان کوچش؛ ترجمه‌ی جهان‌شاه میرزاییگی.
مشخصات نشر: تهران: نشر آگاه، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۵۴۲ ص.: مصور، جدول، نمودار
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۶-۳۶۶-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: 10، Metaphor: A Practical Introduction, 2nd ed.

یادداشت: کتابنامه

موضوع: استعاره

Metaphor: موضوع

شناسه‌ی نمونه‌ی میرزاییگی، جهان‌شاه، ۱۳۳۷ م.، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۸۰۱۳ ک ۵۸/الف/۲۲۸ PN

رده‌بندی دیوبنی: ۸۰۸

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۳۹۱۸۹۰



زولتان کوچش

استعاره

مقدمه‌ای کاربردی

(ویراست دوم)

ترجمه‌ی جهان‌شاه میرزاییگی

چاپ یکم: بهار ۱۳۹۶، آماده‌سازی و نظارت بر چاپ: دفتر انتشارات آگاه

(آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: سمیه حسینی، نمونه‌خوانی: فرهاد گلچین، ناظر چاپ: هومن بخشی)

طراح جلد: محمودرضا لطیفی

چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

انتشارات آگاه

خیابان انقلاب، شماره ۱۳۴۰، تهران ۱۳۱۴۶

فروش اینترنتی: www.agahbookshop.com

قیمت: ۳۵،۰۰۰ تومان

فهرست

۹	پیش‌گفتار ویراست دوم
۱۱	پیش‌گفتار ویراست یکم، مطالعه استعاره
۱۹	۱. استعاره چیست؟
۳۹	۲. حوزه‌های رایج مبدأ و هدف
۶۱	۳. انواع استعاره
۸۵	۴. استعاره در ادبیات
۱۰۹	۵. تحقق غیرزبانی استعاره‌های مفهومی
۱۳۱	۶. اساس استعاره
۱۵۳	۷. ماهیت جزئی نگاشت‌های استعاری
۱۷۵	۸. مدل‌های شناختی، استعاره و جسمانیت
۱۹۷	۹. پی‌آمدهای استعاری
۲۱۷	۱۰. دامنه استعاره
۲۳۹	۱۱. نظام‌های استعاری
۲۷۳	۱۲. صنعت ادبی دیگر: کنایه
۳۰۹	۱۳. عمومیت استعاره‌های مفهومی
۳۳۹	۱۴. تغییرات فرهنگی در استعاره و کنایه
۳۶۳	۱۵. استعاره، کنایه و اصطلاحات
۳۹۳	۱۶. استعاره و کنایه در مطالعه زبان

۱۷. استعاره‌ها و آمیزه‌ها

۴۱۷

۱۸. استعاره در گفتمان

۴۴۱

۱۹. چگونه همه این‌ها با هم سازگار می‌شوند؟

۴۷۱

اصطلاح‌نامه

۴۹۵

پاسخ تمرین‌ها

۵۰۳

تارنامه

۵۲۱

www.ketab.ir

پیش‌گفتار ویراست دوم

در دوره‌های شش تا ده سال گذشته نظریه استعاره مفهومی به پرنفوذترین و گسترده‌ترین نظریه استعاره تبدیل شده است. برخی از جدیدترین تحولات را می‌توان در حوزه‌های پژوهش گسترده‌ای هم‌چون حوزه‌های زیر مشاهده کرد:

نظریه نورونی استعاره
نظریه یک‌پارچگی (یا آمیزه) منظمی
استعاره در گفت‌وگو

رابطه میان استعاره و جسمانیت
ریشه استعاره در بافت فرهنگی
ماهیت نگاشت‌ها

استعاره در ایما اشاره
مطالعه استعاره چندوجهی
شناسایی استعاره

پردازش استعاره
مطالعه پیکره زبانی استعاره
استعاره‌های عاطفی

نظریه کنایه
استعاره در آموزش زبان خارجی

استعاره در مطالعه دستور

و موارد دیگر

همه این موارد اکنون در این ویراست دوم کتاب *استعاره‌ها: یک مقدمه عملی* مورد بحث قرار گرفته‌اند، و به دو مورد آن‌ها، یعنی جسمانیت استعاره‌های عاطفی و استعاره در گفتمان، فصل مستقل اختصاص داده شده است. دو فصل جدید عبارت‌اند از فصل هشتم، «مدل‌های شناختی، استعاره‌ها و جسمانیت» و فصل نهم، «استعاره در گفتمان». در فصل آخر کتاب، با مطالعه یک مثال تنها، تلاش کرده‌ام روابط میان شاخه‌های مختلف آن‌چه عموماً نظریه استعاره مفهومی نامیده می‌شود را بررسی کنم.

هم چنین تلاش کرده‌ام تمام مطالب را، تا حد ممکن، کاملاً روزآمد کنم. به علاوه، تمامی شکل‌ها از نو رسم شده‌اند و از این رو، خواننده با تصاویر یا بازنمایی‌ها در یک دست‌تر و از لحاظ زیبایی‌شناختی چشم‌نوازتری از ایده‌های پیچیده سرکار دارد.

و آخرین اما نه کمترین، تم‌های جدیدی به قدیمی‌ها اضافه شده است که امیدواریم کتاب را برای خواننده به صورت مناسبی درآورند و مطالعه آن را راحت‌تر سازند.

اما در عین حال، مطالب اضافه‌شده حاوی یافته‌های جالب اخیر پژوهش‌گران هستند؛ یافته‌هایی که غالباً چالش و گمان مجذبه برانگیزند و امیدوارم، نه تنها برای دانش‌آموزان، بلکه برای پژوهش‌گران و معلمان نیز خوراک فکری خوبی باشند.

پیش‌گفتار ویراست یکم: مطالعه استعاره

برای اکثر ما، استعاره یک صنعت ادبی است که در آن یک چیز با چیز دیگر مقایسه می‌شود؛ در این مقایسه گفته می‌شود که یک چیز چیز دیگر است، مثل او یک شیر است. یا آن‌گونه که در «نوشته‌های من» آمده است: «استعاره یک صنعت ادبی [است] که به مقایسه میان دو چیز با کسان اشاره دارد، آن‌گونه که از تشبیه متمایز می‌شود، یک مقایسه صریح که با واژه‌های «مانند» یا «مثل» مشخص می‌شود».

برای نمونه، ما واژه شیر در جمله «آشیل در نبرد یک شیر بود» را استعاری در نظر می‌گیریم. احتمالاً هم‌چنین می‌گوییم که این واژه به دلیل استعاری به کار می‌رود که ما به یک اثر هنری یا بلاغی برسیم، چون وقتی ما به زبان استعاری حرف می‌زنیم یا می‌نویسیم که می‌خواهیم نوشته یا گفتار ما وساحت و بلاغت داشته باشد که با واژه‌های «زیبا» و از لحاظ زیبایی‌شناختی «جذاب»، دیگران را تحت تأثیر قرار دهیم، یا یک عاطفه عمیق را بیان کنیم. شاید هم‌چنین اضافه کنیم که آن‌چه این‌همانی آشیل با شیر را ممکن می‌سازد این است که آشیل و شیر وجه مشترک دارند: یعنی، هر دو قوی و شجاع هستند.

در واقع، این یک دیدگاه به‌طور وسیع مشترک میان همگان است — رایج‌ترین مفهوم استعاره، هم در محافل محققان و هم در میان عامه مردم (که البته تنها دیدگاه استعاره نیست). این مفهوم سستی را می‌توان با برشمردن ویژگی‌های عموماً

پذیرفته شده آن به اختصار توضیح داد. یکم، استعاره ویژگی واژه‌هاست؛ یک پدیده زبانی است. کاربرد استعاری شیر مشخصه‌ای از یک عبارت زبانی است (مشخصه واژه شیر). دوم، استعاره به منظور تولید اثر هنری و بلاغی به کار می‌رود، مثل وقتی که شکسپیر می‌نویسد «همه دنیا یک صحنه است». سوم، استعاره مبتنی بر شباهت میان دو هستی است که با هم مقایسه و شناخته می‌شوند. آشیل باید در یک چیزهایی با شیرها شریک باشد تا ما بتوانیم از واژه شیر به زبان استعاری برای او استفاده کنیم. چهارم، استعاره کاربرد آگاهانه و عمدی واژه‌هاست، هر کسی باید استعاره خاص داشته باشد تا بتواند آن‌ها را به کار ببرد و خوب به کار ببرد. فقط شاعران بزرگ می‌توانند زبان‌آور می‌توانند در آن مهارت کسب کنند. برای نمونه، ارسطو در آن باره می‌گوید: «بزرگ‌ترین چیز تسلط داشتن بر استعاره است. این به تنهایی نمی‌تواند به دانش دیگری گفته شود، چون استعاره نشان نبوغ است». پنجم، هم چنین عموم انتقاد بر این است که استعاره یک صنعت ادبی است که ما می‌توانیم بدون آن سرکنیم، اما استعاره را برای منظوره‌ای خاصی به کار می‌بریم، و بنابراین استعاره بخش جدایی‌ناپذیری از ارتباطات روزمره ما نیست، تا چه رسد به اندیشه و استدلال روزمره ما.

دیدگاه جدیدی از استعاره که همه این جنبه‌های نظریه قدرت‌مند سستی را به صورتی منظم و منسجم زیر سؤال می‌برد، ابتدا توسط لیاناف و جانسون در سال ۱۹۸۰ در یک مطالعه ماندگار مطرح شد: استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم. نظریه آن‌ها «به دیدگاه زبان‌شناسی شناختی استعاره» معروف شده است. لیاناف و جانسون با طرح ادعاهای عمیقاً ریشه‌دار و عمیقاً جالفتاده زیر استعاره را به چالش کشیدند: (۱) استعاره ویژگی مفاهیم است نه واژه‌ها؛ (۲) نقش استعاره فهم بهتر برخی مفاهیم است، نه صرفاً به منظوره‌ای هنری یا زیبایی‌شناسانه؛ استعاره غالباً مبتنی بر شباهت نیست؛ (۴) استعاره در زندگی روزمره توسط افراد عادی به صورت ناآگاه و بدون تلاش زیاد به کار می‌رود، نه صرفاً توسط برخی افراد نابغه یا برجسته؛ و (۵) استعاره یک فرایند اجتناب‌ناپذیر از اندیشه و استدلال انسان است، نه یک چیز زائد که ممکن است از لحاظ زبانی نوعی تزئین خوشایند تلقی شود.

لیکاف و جانسون به صورت قانع‌کننده‌ای نشان دادند که استعاره هم در اندیشه و هم در زبان روزمره ساری و جاری است. بینش آن‌ها اخیراً توسط مؤلفان واژه‌نامه‌ها نیز مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال، کالینز کوبیلد^۷ انگلیس (که در این کتاب زیر نام واژه‌نامه استعاره کالینز کوبیلد به آن اشاره شده است) مثال‌هایی از استعاره را هم چون موارد زیر نقل کرده است (عبارت‌های استعاری در جمله‌ها یا گروه‌های مثال به صورت ایرانیک آمده است):

۱. او شنبه بعد از ظهر یک حیوان بود و این مایهٔ بدنایم فوتبال انگلیس است.
۲. هیچ روش بی‌دردسری برای پایین آوردن تورم وجود ندارد. ما اکنون یک سالونهٔ عالی در اختیار داریم که می‌توانیم ساختمان خود را بر روی آن بنا کنیم.
۳. بیایید مداران^۸ خاطر بیماری جامعه مورد سرزنش قرار گرفتند.
۴. ابزار است. سوکراس را می‌شد به سرعت خلق کرد اما روح و جوهر آن نیز به همان اندازه مهم بود.
۵. حمایت‌های دولت تعدادی از نام‌های [رده] بالا در ورزش انگلیس را قادر ساخت که یک زندگی ورزشی موفقیت‌آمیز برای خود بسازند.
۶. شاخه [شعبه] محلی این سازمان.
۷. تعداد خیلی اندکی از آن‌ها صلاحیت آن را داشتند تا ... یک شرکت بیمار را دوباره سرپا نگاه دارند.
۸. بخش خدمات از یک بحران به بحران دیگر^۹ پیش می‌رود.
۹. زندگی او در حال ویرانی بود.
۱۰. چه‌گونه مردان اصلاً می‌توانند به طرز کار ذهنی زود پی ببرند؟
۱۱. دانشمندان در فهم بیماری آلزایمر گام‌های بلندی برداشته‌اند.
۱۲. آن‌ها به صورت گزینشی نیروی کار را هرس (تعديل) کردند.
۱۳. کاشتن و پروراندن روابط کاری که می‌تواند به سودهای بزرگ منجر شود.
۱۴. قهوه عالی بود و وقتی من به نصف اولین گیلان رسیدم مغزم با سرعت خلاص کار می‌کرد.

۱۵. بگذار امیدوار باشیم که او می‌تواند تیم را تا سرز موفقیت بر همین مسیر حفظ کند.

۱۶. همه می‌گویند که او چه دختر شاد و بشاشی [نورانی‌ای] بود.

۱۷. جای‌گزینی او به یک کولی‌بازی [سگ شدن، پاچه گرفتن] منجر می‌شود.

۱۸. این ایالت کاملاً نزدیک به لغزیدن در جنگ داخلی است.

۱۹. آن‌ها او را در اوج شکوفایی رابطه‌شان به یاد می‌آورند.

۲۰. وینسنت پیوسته با نگاه سرد و یخی پدرش مواجه می‌شد.

۲۱. این رستم با این اقتصاد در حال ویرانی‌اش، توان شرکت در عملیات

ظلم را ندارد.

۲۲. بریز بار و شربه ملوس فرانسوی.

برخی از این مثال‌ها برای اکثر مردم موارد آشکار، و برخی هم شاید موارد کم‌تر آشکار استعاره‌اند. با وجود این، می‌توان ادعا کرد که بیش‌تر عبارت‌های استعاری زبانی فهرست‌شده در بالا ادبی نیستند و قصد به نمایش گذاشتن نوعی تزیین و آرایه بلاغی را ندارند. بیش‌تر آن‌ها به قدری عادی هستند که به اتهام به‌کرات شنیده‌شده متهم می‌شوند — این اتهام همان «استعاره «مرده» است: استعاره‌هایی که ممکن است زمانی زنده و توانمند بود، اما به دلیل فراوانی استفاده به‌قدری عادی و متعارف شده‌اند که اصلاً دیگر استعاره به حساب نمی‌آیند (مثل موارد ۶ و ۱۳).

این توصیف «استعاره «مرده» یک نکته اساسی را نادیده می‌گیرد: این که آنچه عمیقاً جالافتاده، به‌سختی مورد توجه قرار می‌گیرد و از این رو بدون هیچ تلاشی به کار می‌رود و فعال‌ترین چیز در اندیشه ماست. استعاره‌های فهرست‌شده در بالا ممکن است کاملاً متعارف باشند و بدون هیچ تلاشی به کار بروند، اما این بدان معنی نیست که شدت و قدرت خود را در اندیشه از دست داده‌اند و مرده هستند. برعکس، به مهم‌ترین معنای ممکن «زنده» هستند — آن‌ها بر اندیشه ما حاکم‌اند: این‌ها همان «استعاره‌هایی هستند که ما با آن‌ها زندگی می‌کنیم». یک مثال، از این

گفته فهم ما از ذهن به مثابه ماشین است. در فهرست پیش گفته دو تا از مثال‌ها این نوع تلقی از ذهن را نشان می‌دهند:

۱۰. چه گونه مردان اصلاً می‌توانند به طرز کار ذهن زنان پی ببرند؟

۱۴. قهوه عالی بود و وقتی من به نصف اولین لیوانم رسیدم مغزم به صورت خلاص کار می‌کرد.

ما ذهن را ماشین در نظر می‌گیریم. هم مردم عادی و هم دانشمندان این نوع برداشت از ذهن را به کار می‌برند. امروز دانشمندان پیچیده‌ترین ماشین را به عنوان مدل خود به کار می‌برند — کامپیوتر. لیکاف و جانسون این نحوه فهم ذهن را استعاره ذهن ماشین است می‌نامند. در دیدگاه آن‌ها، استعاره صرفاً موضوع واژه‌ها یا عبارت‌های زبانی نیست بلکه مسئله مفاهیم، یا فکر کردن به یک چیز بر حسب چیزی دیگر است. در مثال‌ها دو عبارت زبانی بسیار مختلف جنبه‌های همین مفهوم، یعنی ذهن را بر حسب مفهوم دیگر، یعنی ماشین، بیان می‌کنند. در دیدگاه زبان‌شناسی شناختی آن گونه که لیکاف و جانسون آن را مطرح می‌کنند استعاره ماهیتاً مفهومی است. در این دیدگاه، استعاره دیگر تنها وسیله تخیل خلاق ادبی نیست؛ بلکه یک ابزار شناختی مهم است که بدون آن نه شعرا و نه من و شما، به‌منزله یک فرد عادی می‌توانیم زندگی کنیم.

این بحث بر آن نیست که پیشنهاد کند ایده‌های مطرح شده در بالا در چیزی که ما آن را «دیدگاه زبان‌شناسی شناختی استعاره» می‌نامیم تا پیش از سال ۱۹۸۰ وجود نداشته است. مؤلفه‌های کلیدی نظریه شناختی توسط گسترده‌ای از محققان در طول دو هزار سال گذشته مطرح شده‌اند. برای مثال، ایده ماهیت مفهومی استعاره چندین قرن پیش توسط تعدادی از فیلسوفان، از جمله لاک و کانت مطرح شد. در این صورت چه چیزی در دیدگاه زبان‌شناسی شناختی استعاره جدید است؟ به‌طور کلی آن‌چه جدید است یک نظریه جامع، تعمیم‌یافته و از لحاظ تجربی آزموده شده است.

اول، جامع بودن این نظریه از این واقعیت ناشی می‌شود که تعداد زیادی از موضوعات مربوط به استعاره را بررسی می‌کند. این موضوعات عبارت‌اند از

نظام‌مند بودن استعاره؛ رابطه میان استعاره و دیگر مجازها، یا صنایع ادبی؛ عام بودن و فرهنگ - ویژه بودن استعاره؛ کاربرد نظریه استعاره در گستره انواع گوناگون گفتمان مانند ادبیات؛ یادگیری استعاره؛ تدریس استعاره در آموزش زبان خارجی؛ تحقق غیرزبانی استعاره در حوزه‌های مختلف مثل تبلیغات؛ و بسیاری دیگر. ادعا نمی‌شود که این موضوعات اصلاً در دیگر رویکردها مورد توجه قرار نمی‌گیرند؛ بلکه، ادعا می‌شود که تمامی این‌ها در داخل یک نظریه مورد بحث قرار گرفته‌اند.

دوم، ماهیت تعمیم‌یافته نظریه ناشی از این واقعیت است که این نظریه تلاش می‌کند آنچه با دیدگاه استعاره مفهومی می‌دانیم را به آنچه درباره عمل کردن زبان، عمل کردن نظام مفهومی انسان و عمل کردن فرهنگ می‌دانیم مربوط سازد. دیدگاه زبان‌شناسی اخیر استعاره می‌تواند بینش جدیدی را در این باره که برخی پدیده‌های زبانی، مانند بدمعنایی و تغییرات معنی، چه‌گونه کار می‌کنند فراهم سازد. هم‌چنین می‌تواند بر این موضوع که معنی استعاری چه‌گونه پدید می‌آید پرتو جدیدی بیندازد. دیدگاه سنتی بنا بر آن، زبان و اندیشه استعاری اختیاری و غیرانگیزشی هستند را به چالش می‌کشد. و دیدگاه جدیدی را مطرح می‌کند که در آن هم زبان و هم اندیشه استعاره برخاسته از تجربه پایه بدنی (یعنی، حسی - حرکتی) هستند. از قرار معلوم، این مفهوم «جسمانیت» آشکارا دیدگاه زبان‌شناسی شناختی استعاره را از دیدگاه‌های سنتی متمایز می‌کند.

سوم، این یک نظریه از لحاظ تجربی آزموده شده است زیرا، روش‌گران برای آزمودن اعتبار ادعاهای عمده نظریه تنوعی از آزمایش‌ها را به کار برده‌اند. این آزمایش‌ها نشان داده‌اند که دیدگاه زبان‌شناسی شناختی استعاره از لحاظ روان‌شناختی پذیرفتنی است؛ یعنی، واقعیت روان‌شناختی دارد. آزمایش‌های بیش‌تر نشان داده‌اند که، به دلیل این واقعیت روان‌شناختی، نظریه می‌تواند، نه تنها در تولید واژه‌ها و عبارت‌های جدید بلکه هم‌چنین در سازمان‌دهی اندیشه انسان ابزاری کلیدی باشد، و ممکن است کاربرد عملی و مفیدی در، مثلاً، آموزش زبان خارجی داشته باشد. من در این کتاب به بیش‌تر این موضوع‌ها می‌پردازم، گرچه همان‌طور که از کتابی در این حجم انتظار می‌رود، فقط به اختصار.